

## ارائه الگو برای اندازه گیری مدیریت سود در شرکتهای پذیرفته شده در

### بورس اوراق بهادار تهران

احمد یعقوب نژاد<sup>۱</sup>

بهمن بنی مهد<sup>۲</sup>

اعظم شکری<sup>۳</sup>

تاریخ پذیرش: ۹۰/۷/۱

تاریخ دریافت: ۹۰/۵/۲۰

#### چکیده

هدف این تحقیق بررسی پدیده "مدیریت سود" در ایران، شناسایی عوامل تاثیر گذار بر آن و ارائه یک الگو برای اندازه گیری مدیریت سود بر اساس عوامل موثر شناسایی شده در شرایط محیطی ایران می باشد. جامعه آماری این تحقیق، شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سالهای ۱۳۸۲ تا ۱۳۸۸ بوده است. همچنین در این تحقیق برای محاسبه شاخص مدیریت سود "مدل کازنیک" به عنوان مدل بهینه انتخاب شده و مورد استفاده قرار گرفته است. روش این تحقیق از نوع همبستگی بوده و برای تجزیه و تحلیل داده ها از رگرسیون چند متغیره به روش پانل دیتا استفاده شده است. نتایج تحقیق حاضر نشان می دهد که متغیرهایی مثل نسبت بدهی، اندازه شرکت، تغییر مدیریت، شاخص سودآوری (بازده داراییها) و شاخص مدیریت سود سال قبل با شاخص مدیریت سود سال جاری رابطه مستقیم دارند. از طرف دیگر بعضی متغیرها مثل مالیات، نوع مالکیت، نوع حسابرس، تغییر حسابرس و نوع صنعت اثری بر مدیریت سود ندارند. نتایج این تحقیق می تواند در جهت ارزیابی وضعیت مالی و عملکرد واحدهای تجاری، مورد استفاده تحلیل گران مالی، سرمایه گذاران و سایر استفاده کنندگان از صورتهای مالی قرار گیرد.

**واژه های کلیدی:** مدیریت سود، ارقام تعهدی اختیاری، مدل کازنیک.

۱- دانشیار، عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی، مدرس مدعو واحد علوم و تحقیقات

۲- استادیار، عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی، مدرس مدعو واحد علوم و تحقیقات

۳- دانشجوی دکتری حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران (azam\_shokri@kia.ac.ir)

## ۱- مقدمه

با توجه به اینکه سود یکی از مهمترین عوامل موثر بر تصمیم گیری های اقتصادی است، آگاهی استفاده کنندگان از قابل اتکا بودن سود می تواند آنها را در اتخاذ تصمیمات بهتر در مورد سودآوری و تجزیه و تحلیل صورتهای مالی یاری دهد.

یکی از اهداف اساسی وضع استانداردهای حسابداری این است که استفاده کنندگان بتوانند با اتکا بر صورتهای مالی تصمیمات نسبتاً مربوط و صحیحی اتخاذ کنند. پس نیاز حرفه حسابداری به آن شیوه از گزارشگری است که منافع تمام استفاده کنندگان بصورتی مطلوب رعایت شود. از سوی دیگر مدیران برای رسیدن به اهداف خاصی که منطقی منافع عده ای خاص را تامین می کند ممکن است سود را طوری گزارش کنند که با هدف تامین منافع عمومی استفاده کنندگان مغایرت داشته باشد. حسابرسان وظیفه دارند از طریق بررسی انطباق صورتهای مالی با چارچوب مشخص شده در استانداردهای حسابداری بر مطلوبیت صورتهای مالی صحت بگذارند. در حالی که انعطاف پذیری موجود در استانداردهای حسابداری نیز در بعضی از موارد برای انتخاب روش حسابداری بر قضاوت حرفه ای حسابداران تاکید کرده است. در واقع مشکل از آنجا ناشی می شود که مدیریت سود در بعضی مواقع باعث گمراه کننده شدن صورتهای مالی می شود، در حالی که صورتهای مالی از نظر قرار گرفتن در چارچوب استانداردهای حسابداری مشکلی نداشته و حسابرسان از این نظر نمی توانند بر صورتهای مالی اشکالی بگیرند.

پرسش اصلی این تحقیق این است که عوامل تاثیر گذار بر مدیریت سود در ایران چیست و اینکه آیا بر اساس عوامل تاثیر گذار بر مدیریت سود می توان یک الگو برای اندازه گیری آن ارائه نمود؟

بنابراین هدف این تحقیق تدوین یک مدل برای اندازه گیری مدیریت سود است. اهمیت تدوین چنین مدلی از آنجا ناشی می شود که وجود چنین مدلی برای اندازه گیری مدیریت سود، به مدیران و سایر استفاده کنندگان از صورتهای مالی در ارزیابی وضعیت سودآوری و اتخاذ تصمیمات اقتصادی بهتر کمک می کند. این مدل معیاری برای تاثیرگذاری بر تصمیم گیری های استفاده کنندگان بر مبنای شاخصی به نام شاخص مدیریت سود فراهم می کند.

از طرف دیگر، بررسی مدل های ارائه شده در سایر کشورها نشان می دهد که به احتمال زیاد به علت تفاوت فضای اقتصادی و سیاسی کشور ما با سایر کشورها، نتایج این تحقیق با نتایج تحقیقات مشابه خارجی متفاوت باشد. نتایج تحقیقات گذشته در ایران نشان داده اند که مدیران واحدهای تجاری سود را مدیریت می کنند اما هر یک از تحقیقات گذشته تنها جنبه ای محدود از مدیریت سود را بررسی کرده اند و تا کنون هیچ یک از تحقیقات قبلی مدلی را برای اندازه گیری شاخص مدیریت سود پیشنهاد نداده اند. مزیت این تحقیق این است که به دنبال جامعیت بخشیدن به تحقیقات گذشته در زمینه مدیریت سود می باشد و سعی دارد عوامل تاثیر گذار بر مدیریت سود را شناسایی و بر اساس آن مدلی برای اندازه گیری مدیریت سود پیشنهاد دهد. این تحقیق می تواند در جهت ارزیابی بهتر وضعیت مالی و عملکرد واحدهای تجاری مورد استفاده تحلیل گران مالی، سرمایه گذاران، اساتید و دانشجویان حسابداری قرار گیرد.

## ۲- مبانی نظری و پیشینه تحقیق

هر واحد تجاری قراردادهایی را با اشخاص مختلف تنظیم نموده و با آنها در ارتباط است. آنچه در همه این قراردادها برای همه افراد مشترک است

ناشی می شود. این مساله کانون تعریف ارائه شده توسط اسکات نیز هست. از طرف دیگر به نظر می رسد بتوان بین مبانی نظری مربوط به مدیریت سود و ادبیات مربوط به تئوری های اثباتی حسابداری<sup>۴</sup> رابطه ای منطقی پیدا نمود. تئوری اثباتی حسابداری توسط واتز و زیمرمن<sup>۵</sup> معرفی و رواج یافت. اصطلاح اثباتی برای تمیز تحقیقات حسابداری که به منظور توضیح پدیده ها انجام می شود از تحقیقات حسابداری که به منظور اتخاذ و صدور حکم و دستور صورت می گیرد، سودمند است. به اعتقاد واتز و زیمرمن تئوری اثباتی حسابداری به تشریح رویه های حسابداری می پردازد. این تئوری برای توضیح و پیش بینی رفتار شرکت هایی که می خواهند از یک رویه خاص استفاده کنند و همچنین شرکت هایی که نمی خواهند از رویه ای مشخص استفاده کنند بکار می رود. این تئوری در مورد اینکه شرکتها از چه رویه هایی باید استفاده کنند توضیحی نمی دهد.

تئوری اثباتی به روابط بین اشخاص مختلفی که منابع واحد تجاری را تامین می کنند توجه دارد و چگونگی کمک حسابداری در انجام این وظیفه را توضیح می دهد. نمونه هایی از این روابط عبارتست از رابطه میان مالکان (تامین کنندگان سرمایه) و مدیران (عرضه کنندگان کار مدیریت) یا رابطه بین اعتبار دهندگان و مدیران شرکت. روابط مزبور مستلزم تفویض تصمیم گیری از یک طرف (موکل) به طرف دیگر (وکیل یا نماینده) است که از آن به عنوان رابطه کارگزاری<sup>۶</sup> یاد می شود. تئوری اثباتی حسابداری بر این فرض اقتصادی مبتنی است که اعمال اشخاص برای نفع شخصی انجام می شود و اشخاص این اعمال را برای افزایش ثروت خود و به طریقی فرصت طلبانه انجام می دهند.

آن است که هر شخص برای تامین منابع، تعهدی نسبت به واحد تجاری دارد و در مقابل نیز حقوقی از آن منافع خواهد داشت. بنابراین واحد تجاری را می توان مجموعه ای از قراردادها میان سهامداران، مدیران، کارکنان، فروشندگان، مشتریان، اعتبار دهندگان، دولت و ... فرض نمود. در مدل قراردادی مذکور فرض می شود که طرفهای درگیر قرارداد همه به دنبال منافع شخصی خود هستند. طبق تئوری کارگزاری مالکان واحد های تجاری فرد یا گروهی را به عنوان نماینده خود انتخاب نموده و اختیار تصمیم گیری را به آن تفویض می نماید. در چنین قراردادی طرفین یعنی نماینده (مدیر) و مالک هر دو می دانند که در راستای منافع شخصی خود عمل می کنند. بنابراین پیش بینی می شود که مدیر با انجام رفتارهای فرصت طلبانه موجب کاهش ارزش شرکت و در نتیجه متضرر شدن مالک شود. انگیزه های مختلفی برای اینگونه رفتارهای مدیر ذکر شده است که یک نمونه از این رفتارها "مدیریت سود" می باشد.

#### تعریف مدیریت سود (Earnings management)

هیلی و والن<sup>۱</sup> (۱۹۹۹) تعریف زیر را برای مدیریت سود ارائه کرده اند: "مدیریت سود زمانی رخ می دهد که مدیر برای گزارشگری مالی از قضاوت شخصی خود استفاده می کند، و این کار را با هدف گمراه کردن برخی از سهامداران درباره عملکرد واقعی اقتصادی و یا برای تاثیر در نتایج قراردادهایی که به ارقام حسابداری گزارش شده بستگی دارند، انجام می دهد."

از نظر اسکات<sup>۲</sup> (۲۰۰۰) مدیریت سود اختیار شرکت در انتخاب روش ها و رویه های حسابداری برای دستیابی به برخی اهداف خاص مدیر است. به نظر می رسد که مدیریت سود معمولاً از استفاده مدیران از مزایای عدم تقارن اطلاعاتی<sup>۳</sup> سهامداران

### فرضیه های تحقیقات اثباتی

سه فرضیه اصلی که اغلب در متون و مباحث تئوری اثباتی حسابداری برای توضیح و پیش بینی این که چرا یک سازمان با یک رویه ی حسابداری خاص مخالف است و یا از آن حمایت می کند وجود دارد. این سه فرضیه عبارت است از فرضیه پاداش (فرضیه طرح پاداش مدیران)، فرضیه بدهی (فرضیه بدهی به سرمایه) و فرضیه هزینه های سیاسی. در این جا بر اساس رویکرد فرصت طلبانه هریک از این فرضیه ها تشریح می شود.

### فرضیه پاداش مدیریت<sup>۶</sup>

این فرضیه پیش بینی می کند که اگر بر حسب یکی از معیارهای عملکرد، نظیر سود حسابداری به مدیر پاداش داده شود، آن گاه وی تلاش خواهد کرد تا از روش های حسابداری استفاده کند که سود و در نتیجه پاداش او افزایش یابد. اگر مبالغ پرداختی به مدیر به طور مستقیم بر اساس ارقام حسابداری مانند سود، فروش، دارایی ها محاسبه شود، هرگونه تغییر در روش های حسابداری که شرکت از آنها استفاده می کند، ممکن است بر مبالغ پرداختی پاداش مدیر تاثیر گذار باشد. این تغییر ممکن است به واسطه انتشار استانداردهای جدید رخ دهد. بنابراین مدیران در تلاش خواهند بود تا از رویه های حسابداری استفاده کنند که موجب افزایش پاداش آنها شود.

### فرضیه بدهی<sup>۸</sup>

این فرضیه پیش بینی می کند که نسبت بالای بدهی به سرمایه شرکت ها، به احتمال زیاد منجر خواهد شد که مدیران از روش های حسابداری معینی برای افزایش سود استفاده کنند. نسبت بالای بدهی به سرمایه موجب می شود تا شرکت در قراردادهای بدهی خود با الزامات و شرط هایی از جانب وام

دهنده رو به رو شود. الزامات مزبور، احتمال نقض قرارداد و وقوع هزینه های ناشی از نکول بدهی را افزایش می دهد. مدیران به واسطه انتخاب روش های حسابداری افزایش سود در تلاشند تا از الزامات قراردادهای بدهی و هزینه های نکول بکاهند.

### فرضیه هزینه سیاسی<sup>۹</sup>

این فرضیه پیش بینی می کند که شرکت های بزرگ در مقایسه با شرکت های کوچک به احتمال زیاد از رویه های حسابداری استفاده می کنند که سود را کمتر نشان می دهند. اندازه و بزرگی شرکت، شاخصی برای توجه و مد نظر بودن آن است. بر این اساس فرض بر آن است که اگر اشخاص طرف قرارداد شرکت بدانند که سود حسابداری نشان دهنده تملک انحصاری مالک نسبت به سود است، در آن صورت ممکن است این آگاهی برای شرکت ها گران تمام شود. از این رو اگر مدیران شرکت ها احساس کنند که در کانون توجه سیاسی قرار گرفته اند، این انگیزه را دارند تا از روش های حسابداری اقتباس کنند که سود را کمتر نشان دهد. آن ها با اینگونه رفتار سعی دارند تا احتمال انجام اقدامات سیاسی علیه شرکت و در نتیجه هزینه های مورد انتظار سیاسی را کاهش دهند.

### انگیزه های مختلف برای انجام مدیریت سود

همان طور که قبلا نیز گفته شد فلسفه مدیریت سود، بهره گیری از انعطاف پذیری روشهای استاندارد اصول پذیرفته شده حسابداری می باشد. انگیزه های مختلفی برای مدیریت سود وجود دارد که عمده آنها به شرح زیر می باشد:

انگیزه پاداش<sup>۱۰</sup>: که در آن مدیر برای دریافت پاداش بیشتر سود را مدیریت می کند.

انگیزه دریافت وام<sup>۱۱</sup>: که در آن مدیر برای دریافت سود از اعتبار دهنده سود را مدیریت می‌کند.

انگیزه سیاسی<sup>۱۲</sup>: که در آن مدیر برای کاهش توجهات سیاسی گروههای مختلف در مواقع افزایش سود سعی می‌کند با بکارگیری رویه های حسابداری کاهنده سود، سود را مدیریت کند.

انگیزه مالیاتی<sup>۱۳</sup>: که در آن مدیر برای کاهش پرداختهای مالیاتی، سود را مدیریت می‌کند.

تغییر مدیریت<sup>۱۴</sup>: مدیران اجرایی شرکتها در مواقع بازنشستگی و یا تغییر ( یعنی در آخرین سال فعالیت در شرکت) با هدف دریافت پاداش بیشتر اقدام به مدیریت سود می‌کنند.

ورود شرکت برای اولین بار به بورس<sup>۱۵</sup>: شرکت‌هایی که برای اولین بار به بورس وارد می‌شوند سعی می‌کنند با مدیریت سود، سود را بیشتر نشان دهند تا وضعیت قیمت سهام آنها در بورس تثبیت شود.

ذکر این نکته نیز ضروری است که در بعضی موارد ممکن است بین انگیزه های مختلف مدیریت سود تناقض وجود داشته باشد که این موضوع اجتناب ناپذیر است. مانند تناقض بین انگیزه پاداش که در آن مدیر به دنبال افزایش سود گزارش شده شرکت است و انگیزه مالیاتی که در آن مدیر به دنبال کاهش سود گزارش شده می‌باشد.

#### نقش اقلام تعهدی در مدیریت سود

حسابداری تعهدی حق انتخاب قابل توجهی به مدیران در تعیین سود در دوره‌های زمانی متفاوت اعطا می‌کند. در واقع تحت این نوع از سیستم حسابداری، مدیران کنترل چشمگیری بر زمان تشخیص برخی اقلام هزینه از جمله هزینه‌های تبلیغات و مخارج تحقیق و توسعه دارند.

اقلام تعهدی بیانگر تفاوت بین سود حسابداری و جزء نقدی آن است، که شامل تغییرات در موجودی کالا، حساب‌های دریافتی و حساب‌های پرداختنی است. در صورتیکه اقلام تعهدی مثبت بزرگ باشد، بیانگر این نکته است که سود حسابداری از وجوه نقد حاصل از عملیات واحد تجاری بسیار بیشتر است. البته باید توجه داشت که این تفاوت به دلیل اعمال اصول حسابداری در مورد زمان و نحوه شناسایی درآمدها و هزینه‌ها (اصل شناخت درآمدها و اصل تطابق) است. اصول پذیرفته شده حسابداری در مورد زمان شناسایی و مبلغ درآمدها و هزینه‌ها به مدیران شرکت‌ها آزادی عمل نسبی داده است و وقتی که مدیران سود حسابداری را به مبلغی بیش از وجوه نقد حاصل شناسایی می‌کنند، اقلام تعهدی ایجاد می‌شوند. یک عامل بنیادی در آزمون مدیریت سود در شرکت‌ها، تخمین عامل اختیار و اعمال نظر مدیران در تعیین سود است. بررسی متون مبتنی بر مدیریت سود، بیانگر وجود رویکردهای متفاوت با شناسه‌ای مختلف در تخمین و اندازی‌گیری اختیار مدیریت در تعیین سود گزارش شده است. یکی از مهمترین این رویکردها، رویکرد مبتنی بر کاربرد اقلام تعهدی اختیاری<sup>۱۶</sup> به عنوان شاخصی برای تعیین و کشف مدیریت سود در واحدهای تجاری است.

برای کشف مدیریت سود از طریق اقلام تعهدی مدل‌هایی ارائه شده است که مهم ترین آنها بدین شرح می‌باشد: مدل هیلی (۱۹۸۵)، مدل دی‌آنجلو (۱۹۸۶)، مدل صنعت (۱۹۹۱)، مدل جونز (۱۹۹۱)، مدل تعدیل شده جونز (۱۹۹۵)، مدل کازنیک (۱۹۹۹)، مدل دچو و دچاو (۲۰۰۲)، مدل کوتاری و همکاران (۲۰۰۵)، مدل دچو و دچاو تعدیل شده (۲۰۰۶) و مدل استوبن (۲۰۱۰).

در اغلب تحقیقاتی که تا کنون در مورد مدیریت سود در ایران انجام شده است از مدل های جونز

تعدیل شده و دچو و دچاو استفاده شده است. اما در این تحقیق شش مدل اصلی از مدل‌های فوق به تفکیک هر صنعت از نظر معنی‌داری و قابلیت پیش‌بینی‌کنندگی مورد بررسی قرار گرفته و مدل کازنیک به عنوان مدل بهینه انتخاب شده است. جزئیات بیشتر درباره چگونگی انتخاب این مدل در ادامه آمده است.

### پیشینه تحقیق

موضوع مدیریت سود در کشورهایی که بازار سرمایه آنها دارای سابقه فعالیت طولانی‌تری می‌باشد، ادبیات غنی و رو به توسعه‌ای دارد. بیشتر تحقیقات انجام شده در زمینه مدیریت سود به این موضوع توجه داشتند که آیا مدیریت سود با وجود انگیزه‌های خاص مدیریتی رخ داده است یا خیر. یافته‌های اغلب این تحقیقات وجود مدیریت سود در شرکت‌ها را اثبات کرده است. اگر بخواهیم از دید کلی به پژوهش‌های انجام گرفته در مورد مدیریت سود نگاه کنیم باید بگوییم پژوهش‌های انجام شده در خصوص تعیین رفتار مدیریت سود بر توضیح روش‌های حسابداری جهت آزمون روابط میان یک متغیر روش حسابداری و تعدادی متغیر توصیفی تمرکز داشتند. در تعریف متغیر روش حسابداری رویکرد استفاده از اقلام تعهدی اختیاری از کل اقلام تعهدی بیشتر استفاده شده است. داچر و ملکون<sup>۱۷</sup> (۱۹۹۵) پژوهشی را در مورد مدیریت سود در شرکت‌های شیمیایی انجام دادند. پژوهش آنها نیز وجود مدیریت سود در این شرکت‌ها را اثبات کرد.

گوان و همکاران<sup>۱۸</sup> (۲۰۰۱) در تحقیق خود به این نتیجه رسیدند که یکی از دلایلی که شرکت‌ها به خاطر آن مدیریت سود انجام می‌دهند بالا بودن نسبت بدهی به سرمایه آنهاست به طوری که هر چه این نسبت بالاتر باشد مدیریت روش‌های افزایشنده سود بیشتری را انتخاب می‌کند. همچنین گوان و همکاران

در این تحقیق نشان دادند که مدیران شرکت‌های بزرگ از اقلام تعهدی برای کمتر کردن مالیات شرکت‌هایشان استفاده می‌کنند.

یون و میلر<sup>۱۹</sup> (۲۰۰۲) رابطه بین وجه نقد ناشی از فعالیت‌های عملیاتی و مدیریت سود در کره جنوبی را بررسی کردند. نتایج تحقیق آنها نشان داد که وقتی عملکرد عملیاتی شرکت‌های ضعیف باشد، این شرکت‌ها با استفاده از تکنیک‌های مدیریت سود اقدام به بیشتر نشان دادن سود خود می‌نمایند.

اوتمان و زگال<sup>۲۰</sup> (۲۰۰۶) نیز در تحقیق خود به بررسی و مقایسه عوامل تاثیر گذار بر مدیریت سود در شرکت‌هایی با مدل حسابداری آمریکایی<sup>۲۱</sup> و شرکت‌هایی با مدل حسابداری اروپایی<sup>۲۲</sup> پرداخته‌اند. آنها نمونه‌هایی از شرکت‌های کانادایی و فرانسوی را انتخاب کرده و متغیرهایی مثل اندازه شرکت، نوع حسابرس و نوع صنعت را در آنها مد نظر قرار داده‌اند. این محققان به این نتیجه رسیدند که انگیزه‌های مدیریت سود در شرکت‌های فرانسوی عمدتاً مربوط به هزینه قراردادهای بدهی و نرخ موثر مالیات است اما انگیزه اصلی برای مدیریت سود در کانادا که دارای بازار سرمایه فعال تری است، فروش بیشتر سهام در بازار است. بعلاوه در این تحقیق نشان داده شد که اندازه شرکت با مدیریت سود رابطه معکوس و با نوع صنعت رابطه مستقیم دارد. همچنین شرکت‌هایی که حسابرس آنها یکی از ۶ شرکت بزرگ و بین‌المللی حسابرسی بوده است، کمتر از سایر شرکت‌ها از تکنیک‌های مدیریت سود استفاده کرده‌اند.

راس و سان<sup>۲۳</sup> (۲۰۰۸) مطالعه‌ای جامع در رابطه با مدیریت سود در استرالیا انجام دادند. آنها در نمونه خود، از ۴۸۴۴ شرکت در ۹ صنعت در فاصله زمانی ۲۰۰۰-۲۰۰۶ استفاده کردند. نتایج این تحقیق نشان داد که مدیریت سود در استرالیا بطور اساسی در

در رساله دکترای آقای علیرضا مهرآذین (۱۳۸۷) با عنوان "ارزیابی مدل‌های مبتنی بر ارقام تعهدی در کشف مدیریت سود" مدل‌های موجود برای کشف و اندازه‌گیری مدیریت سود از نظر خطای نوع اول و دوم در استنتاج آماری بررسی شده است اما این تحقیق نیز تنها به انتخاب و معرفی مدل بهینه برای اندازه‌گیری مدیریت سود در ایران اکتفا نموده و مدل بهینه ارائه شده را برای تدوین یک الگو برای اندازه‌گیری مدیریت سود در ایران آزمون نموده است.

### ۳- فرضیه‌های تحقیق

فرضیه‌های این تحقیق عبارتند از:

- ۱) بین شاخص مدیریت سود و نسبت بدهی رابطه مستقیم و معنی دار وجود دارد.
- ۲) بین شاخص مدیریت سود و اندازه شرکت رابطه مستقیم و معنی دار وجود دارد.
- ۳) بین شاخص مدیریت سود و تغییر مدیریت رابطه مستقیم و معنی دار وجود دارد.
- ۴) بین شاخص مدیریت سود و مالیات رابطه مستقیم و معنی دار وجود دارد.

### ۴- متغیرهای تحقیق

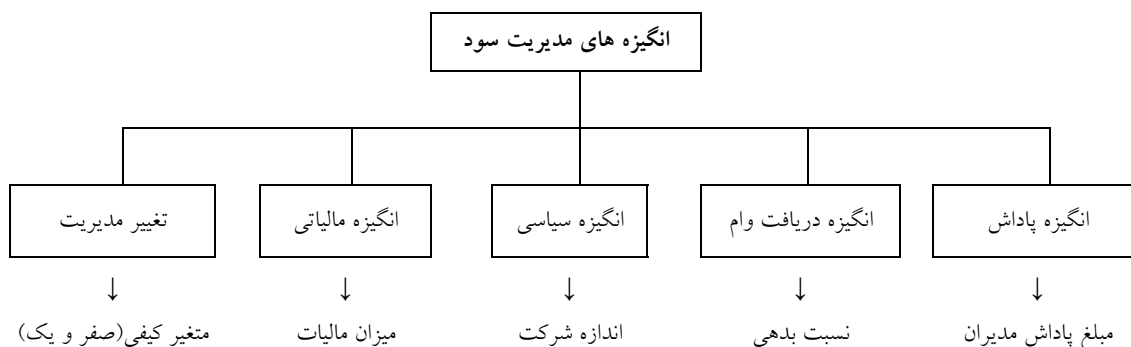
در این تحقیق متغیرها به متغیر وابسته و مستقل دسته بندی می شوند. متغیر وابسته در تحقیق حاضر، شاخص مدیریت سود است. اما متغیرهای مستقلی که اثر آنها بر شاخص مدیریت سود بعنوان متغیر وابسته مورد بررسی قرار می گیرند بر اساس مبانی نظری تحقیق به شرح زیر انتخاب شده اند:

- مبلغ پاداش مدیران،
- نسبت بدهی،
- اندازه شرکت،
- مالیات،
- تغییر مدیریت.

چندین صنعت انجام می‌گیرد. در این تحقیق همچنین مشخص گردید که شرکت‌هایی که از نظر اندازه کوچک هستند و از سودآوری کمتری برخوردارند یعنی بازده دارایی‌های آنها کمتر است، به احتمال زیاد اقدام به مدیریت سود می‌نمایند. در این تحقیق، اقتصاد استرالیا به دو بخش اصلی و پیرامونی تقسیم شد و مشخص گردید شرکت‌های بخش پیرامونی در مقایسه با شرکت‌های اصلی، احتمالاً بیشتر به مدیریت سود می‌پردازند. در این تحقیق متغیرهایی مثل اندازه شرکت و بازده دارایی‌ها از مهمترین عوامل تعیین کننده مدیریت سود بوده است.

اوتاما و سیرگار<sup>۲۴</sup> (۲۰۰۸) نیز این موضوع را بررسی کردند که آیا شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار جاکارتا (اندونزی) اقدام به مدیریت سود فرصت طلبانه می‌نمایند یا خیر. آنها در تحقیق خود از متغیرهای مستقلی مثل ساختار مالکیت، اندازه شرکت و رویه های نظام راهبری (حاکمیت شرکتی) استفاده کرده و با استفاده از رگرسیون چند متغیره به این نتیجه رسیدند که در اندونزی مالکیت نهادی و اندازه شرکت بر مدیریت سود تاثیرگذار نمی باشد. این نتایج با نتایج بدست آمده در شرکت‌های پیشرفته مغایرت دارد.

در ایران نیز چند پژوهش در مورد مدیریت سود انجام شده است. در اغلب تحقیقات انجام شده نتایج تحقیق حاکی از وجود پدیده مدیریت سود در میان شرکت‌های ایرانی است. در تحقیق انجام شده توسط نوروش و همکاران (۱۳۸۴) برای تعیین مدیریت سود تنها از ۲ متغیر (نسبت بدهی به سرمایه، اندازه شرکت) استفاده شده است. سایر تحقیقات داخلی انجام شده در زمینه مدیریت سود نیز دارای ایرادات مشابهی می باشد. برای مثال در تحقیق بیتا مشایخی و مریم صفری (۱۳۸۵) تنها رابطه وجه نقد ناشی از عملیات و مدیریت سود بررسی شده است. هر چند



یادداشت‌های همراه صورت‌های مالی افشا شده، استفاده شده است.

تغییر مدیریت: این متغیر یک متغیر مجازی است که با صفر و یک نشان داده می‌شود. در صورتی که اعضای هیات مدیره شرکت نسبت به سال قبل تغییر کرده باشد عدد یک و در غیر این صورت مقدار آن صفر در نظر گرفته شده است.

نوع حسابرس: یک متغیر مجازی است که با صفر و یک نشان داده می‌شود. در صورتی که حسابرس یک شرکت سازمان حسابرسی باشد برای آن عدد یک و در صورتی که حسابرس شرکت موسسات حسابرسی خصوصی باشند برای آن عدد صفر در نظر گرفته شده است.

تغییر حسابرس: یک متغیر مجازی است که با صفر و یک نشان داده می‌شود. در صورتی که شرکت در سال مورد نظر حسابرس خود را تغییر داده باشد، مقدار یک و در غیر این صورت مقدار آن صفر در نظر گرفته شده است.

شاخص سودآوری (بازده دارایی‌ها): یک متغیر کنترلی است و معمولاً از این شاخص به عنوان شاخص عملکرد مدیریت استفاده می‌شود. بازده دارایی‌ها برابر است با سود خالص تقسیم بر متوسط جمع دارایی‌ها.

از آنجا که در هر تحقیق متغیرهای مداخله‌گری وجود دارند که می‌توانند بر رابطه بین متغیر وابسته و متغیرهای مستقل اثرگذار باشند، در این تحقیق نیز متغیرهای مداخله‌گر یا کنترلی با توجه به سایر تحقیقات خارجی انجام شده، به شرح زیر شناسایی و اثر آنها بر رابطه بین متغیرهای وابسته و مستقل کنترل شده است: نوع حسابرس، تغییر حسابرس، شاخص سودآوری (بازده دارایی‌ها)، نوع مالکیت و شاخص مدیریت سود سال قبل.

#### تعریف عملیاتی متغیرهای تحقیق

از آنجا که مبلغ پاداش مدیران به ندرت در صورت‌های مالی شرکت‌های ایرانی منعکس می‌شود، دسترسی به آن امکان‌پذیر نیست به طوری که تنها تعداد کمی از شرکت‌های جامعه آماری اقدام به افشاء مبلغ پاداش هیات مدیره در صورت‌های مالی خود نموده‌اند. لذا به عنوان یکی از محدودیت‌های تحقیق، متغیر پاداش حذف می‌گردد.

نسبت بدهی: عبارت است از جمع بدهی‌ها به جمع دارایی‌ها.

اندازه شرکت: عبارتست از لگاریتم طبیعی جمع کل دارایی‌ها

مالیات: برای محاسبه متغیر مالیات از لگاریتم طبیعی مبلغ مالیات قطعی یا تشخیصی شرکتها که در



نوع مالکیت (نهادی و فردی): یک متغیر مجازی است به طوری که اگر قسمت عمده مالکیت شرکت (بیش از ۵۰ درصد) در اختیار نهادها و سازمانها باشد مقدار آن یک و در غیر اینصورت مقدار آن صفر در نظر گرفته می شود.

شاخص مدیریت سود سال قبل: این متغیر شاخص مدیریت سودی است که برای سال قبل محاسبه شده است. این متغیر یک متغیر تاخیری<sup>۲۵</sup> است.

لازم به ذکر است که برای همگن کردن اطلاعات در سطح شرکتها با اندازه های مختلف، متغیرهای تحقیق بر جمع دارایی ها تقسیم شده اند.

#### ۵- روش شناسی تحقیق

جامعه آماری مورد بررسی در این تحقیق شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سالهای ۱۳۸۲ الی ۱۳۸۸ می باشد. این نمونه شامل شرکتهایی است که از شرایط زیر برخوردار باشند:

- تا ابتدای سال ۱۳۸۲ در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده باشند.
- شرکت سرمایه گذاری و واسطه گری مالی نباشند.
- شرکتهایی که پایان سال مالی آنها ۲۹ اسفند ماه هر سال باشد.
- شرکتهایی که در دوره مورد بررسی توقف معامله نداشته باشند.
- شرکتهایی که داده های آنها در دوره مورد بررسی در دسترس باشد.

با توجه به مجموعه شرایط فوق، ۹۲ شرکت در دوره زمانی ۱۳۸۲ الی ۱۳۸۸ شرایط فوق را دارا بوده و لذا به عنوان نمونه آماری اولیه انتخاب شدند. به

علت اینکه شاخص مدیریت سود باید به تفکیک هر صنعت محاسبه شود این شرکتها به ۹ صنعت اصلی تقسیم شدند. منبع جمع آوری داده های مورد نیاز این تحقیق، صورت های مالی شرکتها بوده است. روش تحقیق در این مقاله، روش اکتشافی از نوع همبستگی است. همچنین برای تجزیه و تحلیل و آزمون فرضیه های تحقیق از روش همبستگی استفاده گردیده است. علت انتخاب روش مزبور این است که تعداد متغیرهای بازیگر در مورد موضوع پژوهش زیاد بوده و تنها روش تحقیق همبستگی است که به محقق اجازه می دهد تا متغیرهای زیادی را اندازه گیری کند و همزمان همبستگی آنها را محاسبه و در نهایت یک مدل با استفاده از آنها استخراج نماید. همچنین در تحلیل رگرسیون، برای تجزیه و تحلیل داده ها و بررسی رابطه بین متغیرهای مورد مطالعه، از رگرسیون چند متغیره به روش پانل دیتا استفاده شده است.

#### ۶- چگونگی انتخاب مدل مناسب برای محاسبه شاخص مدیریت سود

یکی از مهم ترین مراحل این تحقیق انتخاب بهترین مدل از میان مدل های موجود برای محاسبه شاخص مدیریت سود است. برای تعیین اینکه کدامیک از مدل های موجود برای تجزیه و تحلیل های اصلی تحقیق و آزمون فرضیه ها مناسب تر است، معنی داری هر یک از این مدلها به صورت جداگانه و به تفکیک هر صنعت با استفاده از سری های زمانی و با استفاده از آماره های ضریب تعیین<sup>۲۶</sup>، آماره F، سطح معنی داری F و آماره دورین - واتسون آزمون گردید که با توجه به نتایج، مشخص شد مدل بهینه، مدل کازنیک است. چون این مدل در مقایسه با سایر مدلها در هر صنعت مقدار ضریب تعیین ( $R^2$ ) و ضریب تعیین تعدیل شده و آماره F بیشتری دارد. این موضوع بیانگر قدرت پیش بینی کنندگی بیشتر این

مدل در مقایسه با سایر مدل‌ها است. بنابراین در آزمون فرضیه‌های تحقیق از این مدل برای اندازه‌گیری مدیریت سود استفاده شده است. نتایج آزمون‌های انجام شده در صنعت خودرو و ساخت قطعات برای نمونه در جدول شماره یک آورده شده است.

#### ۷- آزمون فرضیه‌ها

نتایج آزمون فرضیه‌های تحقیق در جدول دو خلاصه شده است.

همان طور که قبلاً نیز گفته شد در این تحقیق علاوه بر متغیرهای فوق، متغیرهای دیگری نیز به

عنوان متغیر کنترل در نظر گرفته شده و اثر آنها بر متغیر وابسته آزمون گردیده است. این متغیرها عبارتند از شاخص سودآوری، نوع حسابرِس، تغییر حسابرِس، نوع مالکیت و شاخص مدیریت سود سال قبل. سطح معنی داری این متغیرها به ترتیب برابر صفر، ۵۲/۸ درصد، ۹۹/۳ درصد، ۷۰/۲ درصد و صفر می باشد. بنابراین شاخص سودآوری و شاخص مدیریت سود سال قبل با مدیریت سود سال جاری رابطه مستقیم و معنی دار دارند، اما نوع حسابرِس، تغییر حسابرِس و نوع مالکیت رابطه‌ای با مدیریت سود ندارند.

جدول شماره یک) معنی داری مدل‌های مختلف مدیریت سود در صنعت خودرو و ساخت قطعات

مدل	تعداد مشاهدات (شرکت - سال)	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	آماره دورین - واتسون	آماره F	سطح معنی داری مدل
جونز	۱۲۵	۰/۲۲۲	۰/۲۰۳	۱/۷۶۳	۱۱/۵۹۶	۰/۰۰۰
جونز تعدیل شده	۱۲۵	۰/۰۶۶	۰/۰۴۳	۱/۸۷۹	۲/۸۶۵	۰/۰۴۰
کوتاری	۱۲۵	۰/۰۸۱	۰/۰۵۱	۱/۸۸۵	۲/۶۷۰	۰/۰۳۵
کازنیک	۱۲۵	۰/۵۵۹	۰/۵۴۴	۱/۷۷۶	۳۸/۲۸۱	۰/۰۰۰
دجو و دچاو	۱۲۵	۰/۰۱۴	-۰/۰۱۹	۱/۵۸۰	۰/۴۲۳	۰/۷۹۲
دجو و دچاو تعدیل شده	۱۲۵	۰/۰۸۰	۰/۰۳۳	۱/۵۸۳	۱/۷۲۱	۰/۱۲۲

جدول شماره دو) خلاصه نتایج آزمون فرضیه‌ها

شماره فرضیه	شرح فرضیه	سطح معنی داری	وضعیت رد یا تایید فرضیه
فرضیه اول	وجود رابطه مستقیم و معنی دار بین شاخص مدیریت سود و نسبت بدهی	۰/۰۱۳	تایید می شود
فرضیه دوم	وجود رابطه مستقیم و معنی دار بین شاخص مدیریت سود و اندازه شرکت	۰/۰۱۸	تایید می شود
فرضیه سوم	وجود رابطه مستقیم و معنی دار بین شاخص مدیریت سود و تغییر مدیریت	۰/۰۴۰	تایید می شود
فرضیه چهارم	وجود مستقیم و معنی دار رابطه بین شاخص مدیریت سود و مالیات	۰/۱۰۹	رد می شود

$$EM_{it} = -0.143 + 0.372 EM_{it-1} + 0.187 ROA_{it} + 0.643 DEBT_{it} + 0.1319 MCH_{it} + 0.0538 SIZE_{it} + \varepsilon_{it}$$

EM<sub>it</sub> = شاخص مدیریت سود هر شرکت در هر سال  
 DEBT<sub>it</sub> = نسبت بدهی هر شرکت در هر سال  
 ROA<sub>it</sub> = شاخص سودآوری (بازده داراییها) هر شرکت در هر سال  
 SIZE<sub>it</sub> = اندازه شرکت در هر سال  
 MCH<sub>it</sub> = تغییر مدیریت در هر سال  
 EM<sub>it-1</sub> = شاخص مدیریت سود هر شرکت در سال قبل  
 ε<sub>it</sub> = میزان خطای مدل

### بررسی اعتبار مدل

برای بررسی اعتبار مدل فوق، آزمونهای زیر انجام شده است:

آنالیز واریانس<sup>۲۷</sup> که این آزمون توان خط رگرسیون برای بیان مقادیر مشاهده شده متغیر تابع را ارزیابی می نماید. نتایج این آزمون در جدول شماره چهار آورده شده است.

### مدل شاخص مدیریت سود برای کل نمونه آماری

در این قسمت با توجه به نتایج حاصل از آزمون فرضیه ها، آزمون مربوط به تدوین مدل اندازه گیری شاخص مدیریت سود برای کل شرکتهای نمونه آماری، انجام می شود. در بخش قبل مشخص شد که نسبت بدهی، اندازه شرکت، شاخص سودآوری (بازده داراییها)، تغییر مدیریت و شاخص مدیریت سود سال قبل با شاخص مدیریت سود سال جاری رابطه معنی دار دارند و بر آن تاثیر گذار هستند. برای تدوین مدل نهایی، مجدداً رابطه متغیرهای بالا با متغیر وابسته مورد بررسی قرار می گیرد. جدول شماره سه ضرایب و سطح معنی داری آن ها را نشان می دهد. با توجه به نتایج حاصل از آزمون مجدد رابطه بین متغیرهای مستقل و وابسته که در جدول شماره سه آورده شده است، مدل مدیریت سود به شرح زیر تدوین می شود:

جدول شماره سه - نتایج آزمون تدوین مدل نهایی شاخص مدیریت سود

آماره های هم خطی		سطح معنی داری	آماره T	ضرایب غیر استاندارد		شرح متغیرها	
عامل تورم واریانس	تولرانس			ضرایب استاندارد شده	انحراف استاندارد		بتا
-	-	۰/۰۰۲	-۳/۱۸۴	-	۰/۰۴۵	-۰/۱۴۳	مقدار ثابت
۱/۲۵۲	۰/۷۹۹	۰/۰۳۷	۲/۰۹۱	۰/۰۸۳	۰/۰۳۱	۰/۰۶۴۳	نسبت بدهی
۱/۲۵۳	۰/۷۹۸	۰/۰۰۰	۵/۲۹۲	۰/۲۱۱	۰/۰۳۵	۰/۱۸۷	شاخص سودآوری
۱/۰۲۹	۰/۹۷۲	۰/۰۳۲	۲/۸۰۳	۰/۰۶۵	۰/۰۰۳	۰/۰۰۵۳۸	اندازه شرکت
۱/۰۲۴	۰/۹۷۷	۰/۰۳۱	۲/۵۹۸	۰/۰۵۸	۰/۰۰۸	۰/۰۱۳۱۹	تغییر مدیریت
۱/۰۱۲	۰/۹۸۸	۰/۰۰۰	۱۰/۳۸۲	۰/۳۷۲	۰/۰۳۶	۰/۳۷۲	شاخص مدیریت سود سال قبل

جدول شماره چهار - آنالیز واریانس

سطح معنی داری	آماره F	میانگین مربعات	درجه آزادی	مجموع مربعات	شرح
۰/۰۰۰	۲۹/۵۳۶	۰/۳۱۵	۵	۱/۵۷۵	واریانس بیان شده
		۰/۰۱۱	۶۴۲	۶/۸۴۶	واریانس بیان نشده
			۶۴۷	۸/۴۲۱	جمع

پسماند<sup>۲۸</sup> استفاده می‌شود. در اینجا با توجه به جدول شماره پنج مقدار آماره دوربین- واتسون برابر ۱/۸۷۴ است. بنابراین عدم وجود خود همبستگی در جمله پسماند تأیید می‌شود.

همچنین برای آزمون وجود یا عدم وجود هم خطی میان متغیرهای مستقل مدل، ماتریس همبستگی محاسبه شده است. در این ماتریس ضریب همبستگی بین هر زوج از متغیرهای مستقل محاسبه می‌شود. میزان نوسانات هم خطی میان متغیرهای مستقل مدل در جدول شماره شش آورده شده است که طبق این جدول هم خطی میان متغیرهای مستقل شدید نیست.

نتایج جدول فوق، وجود خط رگرسیون در سطح اعتماد ۹۵ درصد را تأیید می‌نماید. از این رو آزمون فوق صحت مدل را تأیید می‌نماید.

همچنین مطابق جدول شماره چهار ضریب تعیین مدل رگرسیون ( $R^2$ ) حدود ۱۹ درصد است. این موضوع بیانگر آن است که حدود ۱۹ درصد تغییرات متغیر وابسته براساس تغییرات متغیرهای مستقل مدل بیان می‌شود و مابقی آن متاثر از سایر عواملی است که قابل مشاهده و اندازه گیری نبوده اند. آزمون دوربین- واتسون که برای برآورد وجود یا عدم وجود خود همبستگی در مقادیر خطا یا جمله

جدول شماره پنج- ضریب تعیین و آماره دوربین- واتسون

ضریب همبستگی	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	برآورد خطای استاندارد	آماره دوربین- واتسون
۰/۴۳۲	۰/۱۸۷	۰/۱۸۱	۰/۱۰۳۲	۱/۸۷۴

جدول شماره شش - بررسی خود همبستگی میان متغیرهای مستقل

شرح	نسبت بدهی	نسبت بدهی	سودآوری	اندازه شرکت	تغییر مدیریت	شاخص مدیریت سود سال قبل
نسبت بدهی	۱	۰/۴۴۶	-	۰/۰۴۳	۰/۰۵۲	-۰/۰۶۴
	-	۰/۰۰۰	۰/۲۷۶	۰/۱۸۸	۰/۱۰۵	
سودآوری	-	۱	-	-۰/۰۵۲	-۰/۰۶۸	۰/۰۴۵
	-	-	-	۰/۱۸۴	۰/۰۸۲	۰/۲۴۹
اندازه شرکت	-	-	-	۱	۰/۱۳۶	۰/۰۸۱
	-	-	-	-	۰/۰۰۱	۰/۰۴۰
تغییر مدیریت	-	-	-	-	۱	-۰/۰۰۷
	-	-	-	-	-	۰/۸۵۳
شاخص مدیریت سود سال قبل	-	-	-	-	-	۱
	-	-	-	-	-	-

جدول شماره هفت- بررسی نرمال بودن مقادیر خطای مدل

شرح	مقادیر خطا
تعداد مشاهدات	۶۴۸
آماره Z کلموگروف- اسمیرنف	۱/۲۷۷
سطح معنی داری	۰/۰۷۷

• در ایران اندازه شرکت اثری مستقیم بر شاخص مدیریت سود دارد. یعنی هر چه اندازه شرکت بیشتر شود، مدیریت سود نیز در آن شرکت بیشتر می شود. این موضوع با فرضیه هزینه های سیاسی مطرح شده در تحقیقات اثباتی حسابداری و یا تحقیقات انجام شده در کشورهای پیشرفته مانند تحقیق راس و سان<sup>۳۱</sup> (۲۰۰۸) در استرالیا مغایرت دارد. پیشنهاد می شود قانون گذاران و تدوین کنندگان استاندارد الزامات جدید و بیشتری برای نحوه و میزان افشاء اطلاعات مالی شرکتها وضع نمایند. بالا بودن برخی از ویژگی های شرکتها مثل "اندازه" و "نسبت بدهی" می تواند شاخصی برای الزام و نظارت بیشتر برای افشاء اطلاعات در گزارش های مالی باشد تا بدین وسیله احتمال بروز مدیریت سود فرصت طلبانه در شرکتها کاهش یابد.

• طبق نتایج آزمون فرضیه ها، اگر مدیریت شرکت تغییر کند، مدیریت سود نیز افزایش می یابد. این نتیجه با مبانی نظری مدیریت سود و نتایج بدست آمده در اغلب تحقیقات خارجی مثل تحقیق گوان و همکاران<sup>۳۲</sup> (۲۰۰۵) مطابقت دارد. پیشنهاد می شود برای جلوگیری از آثار سوء تغییرات مکرر در مدیریت شرکت، نظام راهبری مناسب در شرکت استقرار یابد بطوری که عملکرد اعضای هیات مدیره شرکت تحت نظارت مستمر و منظم بوده و مانع هر گونه تغییر مدیریت با انگیزه های خاص گردد.

• نتایج تحقیق نشان می دهد که در صورت افزایش شاخص سودآوری، مدیریت سود نیز افزایش می یابد. این بدان معناست که مدیران شرکت های نمونه آماری تحقیق با استفاده از مدیریت سود سعی دارند تا عملکرد خود را مطلوب تر نشان دهند. در اغلب تحقیقات مشابه مانند تحقیق یون

یکی دیگر از مفروضات رگرسیون نرمال بودن مقادیر خطا در مدل است. این موضوع با استفاده از آزمون کلموگروف- اسمیرنف نشان داده شده است. بر اساس این آزمون مقدار سطح اهمیت باید بیشتر از ۵ درصد باشد. جدول شماره هفت مقدار سطح اهمیت خطای مدل را نشان می دهد که این عدد ۷/۷ درصد می باشد. بنابراین فرض نرمال بودن مقادیر خطای مدل تأیید می شود.

#### ۸- نتیجه گیری و بحث

هدف تحقیق حاضر شناسایی عوامل موثر بر مدیریت سود در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و سپس ارائه یک الگو بر اساس عوامل موثر شناخته شده می باشد. در این تحقیق بر اساس مبانی نظری مربوط به تئوری های اثباتی حسابداری تاثیر متغیرهایی مثل نسبت بدهی، اندازه شرکت، تغییر مدیریت و مالیات به عنوان اصلی ترین عوامل موثر بر مدیریت سود و همچنین تاثیر متغیرهایی مثل شاخص سودآوری، نوع حسابرس، تغییر حسابرس، نوع مالکیت و شاخص مدیریت سود سال قبل به عنوان متغیرهای کنترلی بر شاخص مدیریت سود مورد آزمون قرار گرفت. بر اساس نتایج بدست آمده از آزمون فرضیه ها و سایر متغیرهای کنترلی موثر بر مدیریت سود، نتیجه گیری و پیشنهادات زیر قابل ارائه است:

• نسبت بدهی اثری مستقیم بر شاخص مدیریت سود دارد. یعنی اگر نسبت بدهی افزایش یابد، در آن صورت مدیران تلاش خواهند کرد تا از طریق روشهای مدیریت سود، این نسبت را کاهش دهند. این نتیجه با نتیجه بدست آمده در سایر تحقیقات خارجی مثل تحقیق اقبال و استرانگ<sup>۲۹</sup> (۲۰۱۰) در انگلستان و یا تحقیق دو و دیگران<sup>۳۰</sup> (۲۰۰۹) در تایوان مطابقت دارد.

باشد، بطوریکه هیچکدام از دو نوع حسابرس در نظر گرفته شده در این تحقیق (سازمان حسابرسی و موسسات حسابرسی خصوصی) نتوانستند مانع بروز مدیریت سود در شرکتها شوند. پیشنهاد می شود حسابرسان با بالا بردن کیفیت حسابرسی خود، زمینه کاهش مدیریت سود فرصت طلبانه را فراهم نمایند.

لازم به ذکر است که نتایج تحقیق حاضر با توجه به محدودیت‌هایی نظیر، حذف متغیر پاداش از میان متغیرهای مستقل تحقیق است. مطابق فرضیه های تئوری اثباتی حسابداری پاداش یکی از مهمترین انگیزه های مدیریت سود است اما مبلغ پاداش هیات مدیره به ندرت در صورت‌های مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران افشا می شود. لذا به اجبار این متغیر از میان متغیرهای مستقل این تحقیق حذف گردید. ضمناً برای تحقیقات آتی پیشنهاداتی به شرح زیر ارائه می‌شود:

- ✓ بررسی آثار تدوین استانداردهای حسابداری بر مدیریت سود
- ✓ بررسی رابطه مدیریت سود و نظریه اقتصاد سیاسی
- ✓ بررسی رابطه مدیریت سود و فرضیه پاداش تئوری اثباتی حسابداری
- ✓ بررسی اثر خصوصی سازی حسابرسی بر کیفیت و مدیریت سود
- ✓ بررسی اثر مدیریت سود بر هزینه سرمایه شرکت

#### یادداشت‌ها

1. Healy, Wahlen, 1999
2. Scott
3. Information Asymmetry
4. Positive Accounting Theory
5. Watts & Zimmerman
6. Agency
7. Bonus plan hypothesis
8. Debt covenant hypothesis
9. Political cost hypothesis
10. Bonus Purposes

و میلر<sup>۳۳</sup> (۲۰۰۲) در کره جنوبی، نتیجه یکسانی بدست آمده است. با توجه به این که سود حسابداری نمی‌تواند معیار مناسب و کافی برای ارزیابی عملکرد مدیران شرکت‌ها باشد. بنابراین پیشنهاد می شود به جای سود حسابداری از معیارهای دیگری که کمتر قابلیت دستکاری دارند استفاده شود.

- طبق نتایج آزمونهای آماری، شاخص مدیریت سود سال قبل اثری مستقیم بر شاخص مدیریت سود سال جاری دارد. این موضوع نشان دهنده این است که مدیریت سود در ایران به شکل هموارسازی سود است بطوری که یکی از عوامل تاثیر گذار بر مدیران در زمان تصمیم گیری در مورد مدیریت سود سال جاری، مدیریت سود سال قبل می باشد.
- بررسی نتایج تحقیق همچنین نشان می دهد در ایران متغیرهایی مانند مالیات، نوع مالکیت، نوع حسابرس و تغییر حسابرس بر شاخص مدیریت سود تاثیر گذار نمی باشند. این نتایج با نتایج بدست آمده در سایر کشورها مانند تحقیق تندلو و ون استرال<sup>۳۴</sup> (۲۰۰۵) در اروپا و اوتمان و زغال<sup>۳۵</sup> (۲۰۰۶) در اندونزی مغایرت دارد. عدم وجود رابطه بین نوع مالکیت و مدیریت سود در ایران نشان دهنده ضعف سرمایه گذاران نهادی در انجام صحیح مسئولیت های حاکمیتی و نظارتی خود می باشد. پیشنهاد می شود برای آشنایی بیشتر سرمایه گذاران نهادی با نقش مهم و غیر قابل انکار خود در ایجاد تغییرات اساسی در شرکت و پیشبرد اهداف آن، آموزشهای لازم در این زمینه صورت گیرد. همچنین عدم وجود رابطه بین نوع حسابرس و تغییر حسابرس با مدیریت سود نشان دهنده کیفیت پایین حسابرسی در ایران در مقایسه با سایر کشورهای پیشرفته می

اسلامی واحد علوم و تحقیقات، سال ۱۹، شماره ۷۷

(۵) نیکومرام، هاشم و بنی مهد، بهمین، (۱۳۸۷)، "نگاهی بر تحقیقات اثباتی در حسابداری"، مجله حسابداری، شماره ۱۹۹

6) Dacsher, H., & Melkon, A., (1995), Additional evidence on bonus plans and income management, *Journal of Accounting and Economics*, 19, 2-28

7) DeAngelo, H., DeAngelo, L. & Skinner, D.J. (1994) , Accounting choice in troubled companies , *Journal of Accounting and Economics* , 17 ,113-43.

8) Dechow, P.M. & Dichev, D., (2002) The quality of accruals and earnings: the role of accrual estimation errors, *The Accounting Review*, 77, 35-59

9) Dechow, P.M., Sloan, R.G. & Sweeney, A.P. (1995) Detecting earnings management, *The Accounting Review*, 70, 193-225

10) Deegan, Craig, (2000) *Financial Accounting Theory*, McGraw-Hill,

11) DeFond, M. L. & Park, C.W., (1997) Smoothing income in anticipation of future earnings, *Journal of accounting and economics*, 23,115-139.

12) Guan, L., Pourjalali, H., Sengupta, P., & Teruya, J., (2001), The effect of cultural environment and accounting regulation on earnings manipulation: A five Asian-Pacific country analysis, *Journal of Accounting and Economics Research*, 32, 79-96

13) Guan, L., Wright, C.J., & Leikam, S.L., (2005), earnings management and forced CEO dismissal, *Advances in Accounting*, 21,61-81

14) Guay, W.R., Kothari, S.P. & Watts, R.L. (1996) A market-based evaluation of discretionary accrual models, *Journal of Accounting Research*, 34, 83-105

15) Healy, P.M. (1985) The effect of bonus schemes on accounting decisions, *Journal of Accounting and Economics*, 12, 97-123

16) Healy, P.M., & Wahlen, J.M., (1999), A review of the earnings management literature and its implications for standard setting, *Accounting Horizons*, 13, 365-383

17) Iqbal, A., & Strong, N., (2010), The effect of corporate governance on earnings management around UK right issues,

11. Debt Covenant Purposes  
 12. Political Motivations  
 13. Taxation Motivations  
 14. Changes of Chief Executive Officers  
 15. Initial Public Offerings  
 16. Discretionary Accruals  
 17. Dascher & Melkon  
 18. Guan, et al  
 19. Soon Suk Yoon & Gary Miller  
 20. Othman & Zeghal  
 21. Anglo-American  
 22. Euro-Continental  
 23. Subhrendu Rath & Lan Sun  
 24. Utama & Siregar  
 25. Lag Variable  
 26. R Square  
 27. Anova  
 28. Residuals  
 29. Abdullah Iqbal & Norman Strong  
 30. Duh & lee & lin  
 31. Subhrendu Rath & Lan Sun  
 32. Guan & Wright & Leikam  
 33. Soon Suk Yoon & Gary Miller  
 34. Tendeloo & Vanstraelen  
 35. Othman & Zeghal

#### فهرست منابع

(۱) مشایخی، بیتا و صفری، مریم، (۱۳۸۵)، "وجه نقد ناشی از عملیات و مدیریت سود در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، بررسیهای حسابداری و حسابرسی، شماره ۴۴

(۲) مهرآذین، علیرضا، (۱۳۸۷)، "ارزیابی مدل‌های مبتنی بر افلام تعهدی در کشف مدیریت سود" پایان نامه دکتری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات

(۳) نوروش، ایرج و همکاران، (۱۳۸۴)، "بررسی مدیریت سود در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، دوره ۲۲، شماره ۲

(۴) نیکومرام، هاشم و بنی مهد، بهمین، (۱۳۸۷)، "تبیین و ارائه الگو برای اندازه گیری محافظه کاری حسابداری"، مجله مدیریت دانشگاه آزاد

- International Journal of Managerial Finance, 6, issue 3.
- 18) Kasznik, R. (1999) On the association between voluntary disclosure and earnings management. *Journal of Accounting Research*, 37, 18-38
  - 19) Kothari, S.P., Leone, A.J., & Wasley, C.E. (2005) Performance Matched Discretionary Accrual Measures, *Journal of Accounting and Economics*, 39, 163-197
  - 20) Othman, H. B. & Zeghal, D. (2006), A Study of earnings-management motives in the Anglo-American and Euro-Continental accounting models: The Canadian and French cases, *The International Journal of Accounting*, 41, 406-435
  - 21) Rath, Subhrendu & Sun, Lan. (2008), An Empirical Analysis of Earnings Management in Australia, Curtin University of Technology, ISSN: 1835-9450
  - 22) Scott, William (2000). "Financial Accounting Theory" Prentice Hall, chapter 11, 343-352.
  - 23) Siregar, S.V. and Utama, S. (2008), Type of earnings management and the effect of ownership structure, firm size, and corporate-governance practices: Evidence from Indonesia, *The International Journal of Accounting*, 43, 1-27
  - 24) Tendeloo, B.V., & Vanstraelen, A., (2005), Earnings management and audit quality in Europe, University of Antwerp and Maastricht University
  - 25) Watts, R.L. & Zimmerman, J.L. (1978) Towards a positive theory of the determination of accounting standards, *The Accounting Review*, 53, 112-134
  - 26) Yoon, S.S. & Miller, G.A., (2002) Cash from operations and earnings management in Korea, *The International Journal of Accounting*, 37, 395-412